

مهدویت در کلام علی علیه السلام

مساله مهدویت از جمله مسائل مهم از منظر فریقین می باشد. در نهج البلاغه نیز به همین جهت، مورد توجه ویژه حضرت علی(ع) قرار گرفته است.



مساله مهدویت از جمله مسائل مهم از منظر فریقین می باشد. در نهج البلاغه نیز به همین جهت، مورد توجه ویژه حضرت علی(ع) قرار گرفته است. یادداشت حاضر، تلاش دارد تا در یک نظام، بیانات امیرمومنان در خصوص مهدویت را ارائه نماید. به همین منظور در چند بخش، این مطالب ارائه می گردند: الف- امامت یک امر مستمر و دائمی است. علی(ع) در نهج البلاغه با تشبیه ائمه هدی(ع) به نجم بیان می دارند که زمین هیچگاه از وجود این ستارگان، خالی نمی گردد. «الا این مثل آل مُحَمَّد(ص) کمثل نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا حَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَكَانَتْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فَيَكْمُ الصَّنَائِعِ وَارَاكُم مَّا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ بيبدار باشید مثل آل محمد(ص) چونان ستارگان آسمان است اگر ستاره ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد(این امر تا ظهور امام زمان ادامه دارد و در دوران اوست که) گویا می بینم(در پرتو خاندان پیامبر) نعمت های خدا بر شما تمام شده و شما به آنچه آرزو دارید رسیده اید.» (خطبه 100) ایشان در حکمت 147، به این نکته اشاره می کنند که زمین هیچگاه از حجت خالی نمی گردد و در این خصوص می فرمایند: «اللَّهُمَّ تَلَى لَّا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِّلِهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا لِنَا تَبْطَلُ حُجَّتُكَ اللَّهُ وَبَيِّنَاتِهِ» (حکمت 147) خداوند، آری زمین از کسی که به حجت خدا برای خدا قیام نماید تهی نمی ماند، قایمی آشکار و مشهور، یا ترسان و پنهان، تا دلایل الهی و بیّناتش باطل نگردد. در همین راستا روایات معتبر 12 خلیفه قابل توجه است. عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ قَالَ دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً قَالَ ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامِ حَفِيٍّ عَلِيٍّ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ: قَالَ كَلَّمْتُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. فِي بَعْضِ رَوَايَاتٍ بِه ابتدا و انتهای این زنجیره مبارک اشاره شده است. «عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّبُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ» امامان بعد از من دوازده نفرند. اول آن ها علی بن ابی طالب می باشد و آخر آنان هم قائم است. این عده جانشینان و اوصیاء من هستند و از طرف خداوند بر امت من حجت می باشند. مؤمن اقرار به امامت آنان می کند و کافر هم منکر فضل و مقام آن ها می باشد «ب- غیبت امام عصر(عج) امام دوازدهم به غیبت می روند. در این خصوص در نهج البلاغه به صورت اشکاری دو مفهوم غروب حضرت و نیز پنهان شدن وی از چشم مردمان مورد توجه قرار گرفته است. «الا وَ إِنَّ مِنْ أَدْرَاكِهِمَا مِتَا يَسْرِي فِيهَا بَسْرَاجٌ مُتَبَرِّقٌ وَيَحْدُو فِيهَا عَلِيُّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحِلَّ فِيهَا رِيقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رَقًا وَ يَصْدَحُ شُعْبًا، وَ يَشَعْبُ صَدْعًا، فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لِأَيُّمِرُ الْقَائِفَةَ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ» (خطبه 150) بيبدار باشید و برآستی آن کس از ما(یعنی حضرت مهدی(ع)) که فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد، و بر همان روش صالحان (پیامبر اکرم(ص)) و امامان گذشته رفتار می کند تا گره ها را بگشاید، بردگان (و ملت های اسیر) را آزاد سازد، و جمعیت گمراه (و ستمگر را) پراکندد، و جریان پراکنده حق را جمع آوری کند (حضرت مهدی(ع) سالهای طولانی در پنهانی از مردم به سر می برد آن چنان که اثر شناس اثر قدمش را نمی یابد گرچه در یافتن اثر (و نشانه ها) تلاش فراوان نماید(در این عبارت، علی(ع) تاکید می کنند که صاحب الامر(عج) از چشم مردم در حجاب خواهد بود به نحوی که اثر شناس اثر قدمش را نمی یابد گرچه در یافتن اثر (و نشانه ها) تلاش فراوان نماید. در موردی دیگر در نهج البلاغه می بینیم: «فَهُوَ مُعْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ، وَ ضَرَبَ بِعَسَبِ ذَنْبِهِ وَ الصَّقِّ الْأَرْضِ بِجَرَانِهِ، بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خُلَافَةِ أَنْبِيَائِهِ» (خطبه 182)؛ در آن هنگام اسلام غروب می کند و چونان شتری(در راه مانده) دم خود را به حرکت در آورده گردن به زمین می چسباند او (حضرت مهدی) پنهان خواهد شد (و غیبت صغری و کبری آغاز خواهد شد) او باقیمانده حجت های الهی و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است. ج- دوره غیبت و شکل گیری دو روند: در طول دوره غیبت دو روند شکل می گیرد. از یک طرف، مردم، سرگردانند و در حال تجربه کردن راه حلهای مختلف برا دستیابی به زندگی سنجیده اند. علی(ع) در این مورد می فرمایند: «وَ اخذوا يميننا و شمالا ظعنا ظعنا في مسالك الغي، و ترك المذاهب الرشدا» (خطبه 150)

گمراهان برای حرکت در مسیرهای گمراهی و رها کردن طرق رشد و کمال به راست و چپ زدند. اما بعد از این تجربه ها، تشنگی برای معارف اهل بیت، فزونی می گیرد. علی(ع) در یکی از کلماتشان می فرمایند: لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها. ثم تلاعقيب ذلك: و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين. (حکمت 209) امیر مومنان فرمود: دنیا پس از چموشی- همچون شتری که از دوشیدن شیرش (بخاطر بچه اش) امتناع می ورزد - با مهربانی همانند مادر نسبت به بچه خود به ما روی می آورد آنگاه آیه فوق را خواند که فرماید: می خواهیم بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شدند تفضل نموده و آنان را پیشوایان جهان و وارثان زمین قرار دهیم. همچنین، ظلم و استکبار افزایش می یابد و اقلیتی مستکبر، اکثریتی مستضعف را در چنبره خود می گیرند. از عبارت علی(ع) که فرمودند لِيَحِلَّ فِيهَا رِيقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رَقًا وَ يَصْدَحُ شُعْبًا، وَ يَشَعْبُ صَدْعًا، این بر می آید که قبل از قیام حضرت حجت، جریان استکبار متحد و جریان حق، پراکنده اند و ملتها به اسارت گرفته شده اند. اما از طرف دیگر و آن روی سکه غیبت، افرادی برجسته رشد می کنند. حضرت در این خصوص می فرمایند: ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تَجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارَهُمْ وَ يَرْمَى بِالتَّقْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُعْقَبُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبْوحِيسِ گروهی در کشاکش آن فتنه ها بصیرت خویش را چنان صیقل دهند که آهنگر تیغه شمشیر را. دیدگانش به نور قرآن جلا گیرد و تفسیر قرآن گوشه ایشان را نوازش دهد و هر شامگاه و بامداد جامه های حکمت نوشند. در طول دوره غیبت چنین افرادی رشد می یابند و خود حضرت در این دوره پنهانی، مدیریت می نماید که جبهه مستضعفین، متحد و جبهه مستکبرین پراکنده گردند. د- بعد از ظهور بعد از ظهور و آغاز علنی قیام، مردم فوج فوج به سمت حضرتش می گردند. علی(ع) در این باره می فرمایند: إِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَغْسُوبُ الدِّينِ بَدَنِيهِ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قُرْعُ الْخَرِيفِ چو زمانش در رسد، «يعسوب» دین با پیروان خود به راه افتد و مردم بر او گرد آیند چون «قرع» (ابرهای) پاییز که به هم پیوندند. آنگاه حضرت، حاکمیت جهانی خود را شکل خواهد داد. در این زمان، مهمترین روش ایشان احیاء کتاب و سنت الهی است. علی(ع) در مورد دوران بعد از ظهور در بیاناتی می فرمایند: «او خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند... آگاه باشید فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروزی است؛ او عمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین، میوه های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه و حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می کند» (خطبه 138)